

رشد جمعیت و تغییرات آینده آن در ایران

بحث دربارهٔ رشد جمعیت و میزان آن در ایران مخصوصاً "از وقتی که سیستم اقتصادی کشور بر پایهٔ برنامه ریزی‌های دور نگر استوار شده اهمیت زیادتری پیدا کرده است زیرا هر نوع برنامهٔ اقتصادی اجتماعی بنحوی از انحاء با جمعیت و یا نیروی کار ارتباط پیدا می‌کند که برآورد آنها بدون شناخت میزان‌های رشد جمعیت و تحولات احتمالی آن امکان‌پذیر نیست .

آنچه‌که از ورای مطالعات پراکنده و یا برآوردهای مواکر علمی نظیر بخش جمعیت‌شناسی مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی ، مرکز آمار ایران ، قسمت جمعیت‌شناسی سازمان ملل متحد و یا سازمانهای برنامه‌ریزی کشور برمی‌آید جمعیت ایران در گذشته با آهنگ ضعیفی افزایش یافته است . هر چند که فکر محدود ساختن تعداد مولید و استفاده از وسایل قدیمی برای جلوگیری از بارداری و یا سقط جنین نیز بطور بسیار ابتدائی در بعضی از نقاط کشور معمول بوده و حتی می‌توان دستورالعمل‌هایی در کتب طب قدیم و نیز آثار نویسندگان درین زمینه پیدا کرد معیناً باروری در سطح طبیعی و بالائی قرار داشته و برغم آن شیوع بیماریهای واگیر ، پائین بودن سطح بهداشت ، عدم توجه به طب پیشگیری بلاهای طبیعی چون سیل ، زلزله ، قحطی‌های بزرگ و بالاخره ناامنی‌های داخلی همه دست بدست هم داده میزان مرگ و میر عمومی را در چنان سطح بالائی نگهداشته بودند که بر اثر آن میزان رشد جمعیت در ایران حتی در اوایل قرن اخیر نیز بسیار ناچیز شده بود . ارقام زیر برآوردهائی از تغییر و تحول رشد جمعیت کشور ما از سال ۱۹۰۵ تا ۱۹۵۶ (نخستین سرشماری کشور) می‌باشد .

متوسط رشد سالانه به درصد

۵/۷	۱۹۵۰ - ۱۹۲۵
۱/۲	۱۹۲۶ - ۱۹۳۵
۱/۵	۱۹۳۶ - ۱۹۴۵
۲/۵	۱۹۴۶ - ۱۹۵۶

گرچه درجهٔ صحت سرشماری های اول و دوم کشور یکسان نیست و بررسی های فنی نکات ضعیف زیادی را در هر دو سرشماری آشکار می سازد معینا با قبول داده های ارائه شده میزان رشد جمعیت در فاصلهٔ سالهای ۶۶ - ۱۹۵۶ به حدود ۲/۹ درصد در سال رسیده و از آن به بعد نیز نه تنها توقی در این زمینه پیش نیامده بلکه حتی در سنوات اخیر به حدود ۳ تا ۳/۲ درصد هم بالغ شده است .

ذکر این نکته ضروری است که برآورد میزان رشد جمعیت و تعیین گرایش های آن در آینده نه کاری است ساده و نه صد درصد مطمئن زیرا چنین نحولی در رابطه با تغییر و تحول باروری و میزان های آن خواهد بود، و کاهش میزان مرگ و میر نقش ثانوی در این زمینه ایفاء خواهد کرد حال آنکه در گذشته وضع کاملا " برعکس بوده است از این رو برای آن که بتوان در این مورد سیمائی کلی بدست آورد ناگزیر باید به بحث دربارهٔ عوامل مؤثر بر کاهش باروری و بیش از همه به نقشی که تنظیم خانواده می تواند ایفاء کند بپردازیم .

میدانیم که ایران جزء سه کشور آسیائی بود که در سال ۱۹۶۲ در سازمان ملل متحد علیه قطعنامه مربوط به کنترل موالید رای داد و چون ورود وسایل جلوگیری از بارداری نیز تا سال ۱۹۶۱ به کشور ما ممنوع بوده است پس واقعا " باید سال ۱۹۶۶ یعنی پائیز سال ۱۳۴۵ را که در آن شاهنشاه آریامهر در مراسم جشن مهرگان بیاناتی در زمینهٔ مشکلات ناشی از افزایش جمعیت جهان ، توسعهٔ قحطی ها و افزایش سریع افراد بی سواد ایراد فرمودند سال پی ریزی سیاست جدید جمعیتی کشور محسوب داشت سیاستی که بر پایهٔ فراهم سازی موجبات آگاهی افراد جامعه از مشکلات افزایش بی رویه جمعیت و ضرورت آینده نگری دربارهٔ آن استوار است . اما اگر مفهوم تنظیم خانواده را آن چنانکه در جریان کنفرانس چکسلواکی که در سال ۱۹۷۰ از طرف سازمان ملل متحد ترتیب یافته بود تعریف شده است

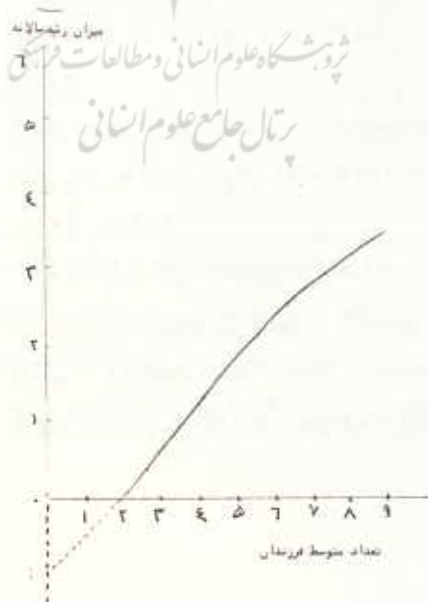
قبول نمائیم در آن صورت تنظیم خانواده عبارت خواهد بود از " کوشش افراد برای هماهنگ سازی رفتارهای باروری خود با شرایط زندگی ، با ارزش‌هایی که می‌شناسند یا هدف‌هایی که می‌خواهند بدان برسند " در قالب چنین مفهومی است که باید در عین توجه بموارد سه گانه فوق در زندگی فردی درصدد یافتن راه‌حل‌هایی بود تا افراد در مجموع بعنوان اعضا جامعه‌ای آگاه و مسئول بتوانند خواست‌های فردی خود را با امکانات ملی که تناقضی نیز با هم ندارند سازش دهند متأسفانه گاهی عدم توجه به نیازهای دراز مدت کشور در مورد نیروی کار برخی از افراد و حتی پاره‌ای از مسئولان سیاست‌های جمعیتی را به بر داشت‌های ناصواب درین زمینه و امیدارده خود مانع بزرگی در راه هماهنگ‌سازی رفتارهای باروری با شرایط و نیازهای جامعه ما می‌گردد . مثلاً " در حالی که تئوری " رشد جمعیتی صفر " حتی در کشورهایی که از اتوماسیون بسیار بالاتری برخوردار بوده و علاوه بر آن از نیروی کار ارزان جهان سوم نیز بصورت اشکال مختلف بهاجرت استفاده می‌کنند نادرست بودن خود را بخوبی نشان داده در مواردی اظهار نظرها و حتی بعضی از شعارهای جمعیتی طوری عنوان می‌شود که حتی رشد منفی و سیر قهقرائی جمعیتی را کمال مطلوب بحساب می‌آورد ، حال آنکه خصوصیات اقلیمی کشور ما طوری است که حتی در شرایط حصول به یک صنعت پیشرفته و متحول نیز ، جامعه روستائی مانند آنچه که در کشورهای فرانسه و ایتالیا دیده می‌شود نقش مهمی در توسعه اقتصادی کشور ایفاء خواهد کرد بویژه اگر توجه کنیم که در آینده از یک طرف اتکاء بمواد اولیه و خام سرزمین‌های دیگر نقطه ضعفی بر استقلال اقتصادی خواهد بود و از طرف دیگر بهره‌برداری از مراتع کوهستانی و زمین‌های زراعی در ایران و بطور کلی کار کشاورزی در مقایسه با فعالیت‌های صنعتی به نیروئی بیش از آنچه که در کشورهای غربی لازم است نیاز خواهد داشت . گذشته از آن تجربه کشورهای جهان سوم بخوبی نشان داده است که حتی در مالکی که برنامه‌های کنترل موالید قرین موفقیت بوده است نباید بیش از حد در انتظار کاهش میزان‌های باروری و در نتیجه میزان رشد جمعیت بود . گرچه نمی‌توان نتایج بدست آمده در هیچ کشوری را برای کشور دیگری الگوی صدر صد قابل قبولی تلقی نمود معیناً تجربیات کشورهای نظیر تایوان ، کره جنوبی ، تایلند ، تونس که از بعضی جهات از جمله کشورهای موفق در زمینه کنترل موالید بوده‌اند با آنچه که از بررسی‌های مختلف جمعیتی در ایران بدست آمده است نشان می‌دهد که حتی در بهترین شرایط از لحاظ توفیق چنین برنامه‌ای نمی‌توان در ایران تا قبل از ۴۰ سال دیگر برسد -

جمعیتی ۱ درصد در سال رسید فرضیه‌های ترکیبی مختلفی درین زمینه مورد مطالعه قرار گرفته است اگر ساله را بطور استاتیک در نظر آوریم در آن صورت تحقق رشد ۱ درصد در سال میزان مولیدی معادل $2/24$ در هزار را ایجاب می‌کند که برای رسیدن بدان باید سالانه از تولد بیش از 20670 نفر طفل جلوگیری کرد. چیزی که لازم می‌آورد تا بیش از دو میلیون و سیصد و بیست و سه هزار نفر از زنان ازدواج کرده واقع در سنین باروری (۴۴-۱۵ ساله) بطور کامل تحت کنترل قرار گیرند و هیچیک از آنان نیز حتی یک فرزند بدن نیانیاورند در حالی که بررسی‌های جمعیتی کنونی ما حدود $2/3$ بچه می‌باشد که اگر برای دو میلیون و سیصد هزار نفر زنی که در بالا گرفته شد چنین حقی را قائل شویم در آن صورت باید 2427789 نفر دیگر بر تعداد آنان افزود یعنی جمعا " بیش از دو میلیون و پانصد و سی و دو هزار نفر از زنان ازدواج کرده واقع در سن باروری را تحت پوشش تنظیم مولید قرار داد که چنین امری با هراگوستی که سنجیده شود از امکانات امروزی کشور ما خارج است و شاید به شرط فراهم بودن امکانات لازم نیز اقدام بدان مطابق با نیازهای دراز مدت کشور در زمینه نیروی کار نباشد.

منحنی زیر رابطه بین تعداد متوسط فرزندان در خانواده و میزان رشد جمعیت را در شرایط جاری در ایران نشان میدهد:

تغییر و تحول میزان رشد جمعیت در ایران بر پایه تعداد فرزندان

تغییر و تحول میزان رشد جمعیت در ایران بر پایه تعداد فرزندان



برای نشان دادن تغییر و تحول احتمالی میزان رشد جمعیت در ایران فرضیه‌های -
 مختلفی در مورد دگرگرایش‌های آینده میزان‌های مولید و مرگ و میر مورد مطالعه قرار گرفته و
 سعی شده است که از ورای آن‌ها به برآوری درین زمینه دست یابیم از میان ۶ فرضیه
 ترکیبی در این جا تنها احتمالاً " بذر نتایج بدست آمده از ۴ فرضیه می‌پردازیم .
 برآورد میزان رشد جمعیت ایران در فواصل زمانی دهساله از ۱۹۷۱ تا ۲۰۲۱
 (به درصد)

فرضیه

دوره زمانی

۳/۲	۳/۱	۲/۶	۲/۹	۱۹۷۱-۸۰
۳/۷	۲/۷	۲/۲	۲/۴	۱۹۸۱-۹۰
۴/۱	۲/۶	۱/۸	۲/۰	۱۹۹۱-۲۰۰۰
۴/۲	۲/۱	۱/۵	۱/۶	۲۰۰۱-۲۱۰۰
۴/۳	۱/۶	۱/۰	۱/۲	۲۰۱۱-۲۰۲۰

—▶

فرضیه A : کاهش میزان باروری عمومی از ۲۵۶ در هزار در سال ۱۹۶۶ بحدود -
 ۶۶ در هزار در سال ۲۰۲۱ همراه با افزایش امید زندگی از ۵۰ سال
 در فاصله ۷۱ - ۱۹۶۶ به ۷۳/۹ سال در دوره پنجاه ساله ۲۰۱۶ تا -
 ۲۰۲۱

فرضیه B : کاهش میزان باروری عمومی با شرایط بالا و افزایش امید زندگی از ۵۰
 سال و در فاصله سالهای ۷۱ - ۱۹۶۶ به ۷۰/۲ سال در حوالی سالهای
 ۲۰۱۶ - ۲۰۲۱

فرضیه C : کاهش میزان باروری عمومی از ۲۵۶ در هزار در ابتدای دوره به ۷۵
 در هزار در انتهای دوره همراه با کاهش سریع مرگ و میر آنچنانکه در
 فرضیه ذکر شده است .

فرضیه D : باروری ثابت و کاهش مرگ و میر در شرایط فرضیه

کاهش سریع باروری آنچنانکه در فرضیه A و B در نظر گرفته شده بالاترین حد قابل تصور در شرایط کنونی بوده احتمالاً " در آینده چنین سطحی از باروری در ایران تحقق نخواهد یافت و شرایط ثبات باروری نیز آنچنانکه در فرضیه D عنوان شده است بعقل - تغییرات بنیانی جامعه ایرانی دور از واقعیت می نماید تنها دلیل محاسبه بر پایه فرضیات B و D ترسیم حدود نهائی تغییر و تحول جمعیتی کشور در آینده بوده و نشان میدهد که رسیدن به رشد جمعیتی یک درصد در سال حتی در یک دوره ۵۰ ساله نیز کار آسانی نیست زیرا ساخت جمعیتی کشور ما طوری است که علیرغم هر نوع اقدام منطقی در جهت کنترل موالید تا حوالی سال ۱۹۸۵ همچنان بجانانی خود ادامه خواهد داد و شاید سالهای ۹۰ - ۱۹۸۵ هتقطه عطفی درین زمینه خواهد بود . برآوردهای زیر که میزان افزایش - سالانه زنان ۴۴ - ۱۵ ساله کشور را در شرایط فرضیه های مورد بحث نشان میدهد بخوبی این مساله را توجیه می کند :

برآورد میزان رشد سالانه زنان واقع در سنین باروری (۴۴ - ۱۵ ساله) در ایران بر پایه فرضیه های چهارگانه مورد بحث از سال ۱۹۷۱ تا ۲۰۲۰ (به درصد)

فرضیه				
۳/۴	۳/۶	۳/۴	۳/۵	۱۹۷۱ - ۸۰
۳/۹	۳/۹	۳/۷	۳/۸	۱۹۸۱ - ۹۰
۴/۰	۳/۲	۲/۶	۲/۷	۱۹۹۱ - ۲۰۰۰
۴/۱	۲/۶	۱/۳	۱/۶	۲۰۰۱ - ۲۰۱۰
۴/۴	۱/۷	۰/۵	۰/۷	۲۰۱۱ - ۲۰۲۰

تحت تاثیر چنین شرایطی است که احتمال دارد، میزان رشد جمعیت در ایران هم - چنانکه از فرضیه C بر می آید واقعا " نتواند حتی در حوالی سالهای ۲۱ - ۲۰۱۱ از حدود ۱/۷ درصد در سال پائین تر رود چیزی که شاید برای رشد اقتصادی کشور نیز متناسب تر باشد چه در هر حال استفاده از نیروی کار خارجی نمی تواند برای یک دوره دراز مدت ادامه یابد .